

وظایف کمونیست ها در قبال جنبش کارگری

[رفقا، نوشته ای که در زیر می بینید جمع بندی نشست هایی است بین چند رفیق کمونیست از سنن بعضا مشترک و بعضا متفاوت که همانند همیشه به همت و زحمت عده ای رفیق متعهد در نقطه ای از این جهان سرمایه داری برای رسیدن به درک مشترکی از وظایف برگزار شده بود. این که این عده که بودند آن اندازه مهم نیست که خود این وظایف چه هستند. با اعلام حمایت از آن ها ما نیز اعلام می کنیم که اجرای مشترک وظایف همواره مهمتر است تا اشخاص، افراد و گرایش های موجود.]

۱. تغییرات کمی و کیفی مهمی در اعتراضات و مبارزات کارگری چند سال اخیر از فرارسیدن نقطه عطفی در جنبش کارگری ایران حکایت می کند. دو خصیصه مهم این شرایط جدید را باید برجسته ساخت:

نخستین پدیده ای که بیش از همه مسائل توجه بسیاری از فعالین، مفسرین، ناظرین و حتی دشمنان این جنبش را به خود جلب کرده است تلاش های روزافزون فعالین کارگری برای گسترش همبستگی های کارگری، برای ایجاد شبکه های سراسری و برای شکل دادن به جنبش های سراسری کارگری است. نتایج عملی این گونه تلاش ها در هماهنگی های فرامحلی، در انتشار فراخوان های مشترک بین تشکل های مستقل موجود، در دعوت های مختلف به سازمان یابی سراسری کارگری و در مباحثات و گفتگوهای بین فعالین جنبش در اغلب مبارزات دوره اخیر بارها مشاهده کرده ایم. این ها همه فرارسیدن دوره جدیدی از مبارزه را نوید می دهند. پی بردن لایه وسیعی از فعالین و مبارزین کارگری به ضرورت سازمان یابی سراسری خود بدان معنی است که طبقه کارگر ایران پا به دورانی می گذارد که هر چه بیشتر اهمیت خود به مثابه یک طبقه را درک خواهد کرد و صدای خود را طبقاتی تر و در نتیجه سراسری تر خواهد کرد. این امر یکی از بارزترین مشخصات اعتلای جنبش طبقه کارگر پس از ده ها سال مبارزه عملی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری است. بدین ترتیب، ما وارد مرحله ای از مبارزات می شویم که طبقه کارگر ایران می تواند و باید به مثابه یک طبقه دولت سرمایه داری را به چالش بطلبد.

پدیده دوم، که بدون تردید خود با اولی مرتبط است، شکل سیاسی بیان این نیاز مبارزاتی است. شکل دادن به صدای سراسری طبقه کارگر یعنی سازمان دهی سراسری که این خود سازمان یافتگی سراسری فعالین و پیشگامان کارگری را پیش فرض می گیرد. در واقع درک ضرورت فراتر رفتن از مبارزات محلی و پراکنده در عین حال به معنای درک ضرورت تحزب طبقه کارگر است. بدین ترتیب به همان درجه که در دل خود مبارزات روزمره اهمیت همبستگی و وحدت طبقاتی و ضرورت سازمان یابی سراسری درک می شود، مسئله نیاز به حزب سیاسی طبقه کارگر نیز در دستور کار قرار خواهد گرفت. اما آیا ضرورت وحدت طبقه

در مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری مساوی با ضرورت وحدت سیاسی-حزبی است؟ و یا آیا سازمان دهی سراسری طبقاتی همان حزب طبقه کارگر است؟ البته هر گونه سازمان یابی سراسری توده ای طبقاتی در مقابل دولت سرمایه داری طبعاً مبارزه ای سیاسی نیز خواهد بود، اما سیاست بویژه سیاست کارگری فقط به امر سیاست روز و یا خواست های مرحله و دوره خاصی خلاصه نمی شود و برنامه دراز مدت تر برای متحول ساختن وضعیت موجود را نیز در بر دارد. بنابراین در هر شرایط مشخصی گرایش های سیاسی متفاوتی راه های متفاوتی برای فراتر رفتن یا نرفتن از وضعیت موجود و دولت موجود را نیز ارائه خواهند داد. بدین ترتیب عاقبت بر مبنای استراتژی و برنامه های متفاوت احزاب سیاسی متفاوتی نیز شکل خواهند گرفت. اما طرح مکرر این سؤال درون جنبش کارگری ایران در دوره اخیر خود یکی دیگر از علائم بارز این امر است که جنبش طبقه کارگر در ایران پا به عرصه جدیدی نهاده است. پاسخ شاهرخ زمانی ها نشان می دهد که هم اکنون لایه آگاه تر طبقه و در بستر مبارزات جاری برای همان صدای سراسری نه تنها به ضرورت ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر نیز پی برده است بلکه به جرات بتوان گفت به نوع و روش بلشویکی آن نیز تمایل دارد. پس نه تنها پس از ده ها سال گرایشی واقعی برای وحدت طبقاتی در حال شکل گیری است بلکه امر سازمان یابی پیشگام انقلابی جنبش کارگری نیز به مسئله ای عملی تبدیل شده است.

۲. اولین وظیفه ما کمونیست ها حمایت سیاسی، معنوی و سازمانی از هردو تلاش مشخص بالاست. ما همه جا هم باید در صف مقدم هر قدم مشخصی برای وحدت مبارزاتی طبقه باشیم و هم متعهد به سازمان یابی پیشگام آن برای فراتر رفتن از وضعیت موجود و تلاش در راه استقرار دولت کارگری. اما انجام همین دو وظیفه ما را همواره در شرایطی متفاوت و گاه متناقض قرار خواهد داد. ضمن حمایت و قدردانی از همه تلاش های تا کنونی تجربه عملی نشان داده است که باید تفاوت های دوحوزه کار بالا از یکدیگر را روشن تر ساخت. طبعاً هر دو کار مرتبط اند اما یکی نیستند و روش و ظروف متفاوتی را می طلبند. یکسان گرفتن این دو حوزه از وظایف به موفقیت هردو لطمه می زند. کمک کردن به شرایطی که بتواند امکان رویارویی سراسری طبقه کارگر ایران با رژیم سرمایه داری را فراهم سازد به تلاش ما برای اتحاد عمل گسترده با همه گرایش های معتقد به وحدت و استقلال طبقه کارگر نیازمند است در صورتی که فعالیت مشترک ما برای ایجاد حزب انقلابی طبقه بویژه در ابتدای این مرحله باید قبل از هر چیز حساب شده و با برنامه باشد. آن چه نباید کرد وارد کردن احتیاط دوم در امر اول است و گشادگی اولی در امر دومی.

۳. برای کمک به صدای سراسری طبقه کارگر سه مسئله کلیدی در مقابل ما قرار دارند. اول این که باید تلاش کرد به وضعیت پراکنده تشکل ها و فعالین کارگری در خارج از کشور در حمایت از جنبش داخل خاتمه داد و بسوی ایجاد فدراسیونی از واحدهای شهری و کشوری رفت که بتواند واقعا به نیروی موثر پشت جبهه تبدیل شود. در این ارتباط ما نه خواهان دور زدن تشکل ها و محافل موجودیم و نه ایجاد چیز

جدیدی در رقابت با آنها. بر عکس ما همه جا باید پیشقدم نزدیک شدن هر چه بیشتر و اتحاد عمل و همکاری هر چه گسترده تر این نهاد ها باشیم. دوم اینکه مهمترین شکل ایجاد همبستگی بین المللی با مبارزات کارگران ایران ایجاد همبستگی با جنبش های کارگری بین المللی است. در قدم اول ترجمه و انتشار مرتب اخبار جنبش داخل و ایجاد شبکه ای از ارتباطات کارگری بین المللی امری است که باید جدی گرفت. ایجاد صندوق مالی برای کمک به مبارزات داخل که از مهمترین وظایف ماتلقی می شود بدون گسترش همبستگی بین المللی به امکانات محدود ما وابسته خواهد شد. سوم اینکه در شرایطی هر گونه اقدام و بیانیه علنی در جهت همبستگی و مبارزات سراسری سرکوب می شود و هر چه مبارزه جلو تر برود شدت بیشتری خواهد گرفت. باید به ایجاد نهادی در خارج که بتواند در واقع در رساندن صدای داخل به داخل کمک کند اقدام کرد.

۴. حزب انقلابی طبقه کارگر از دل مبارزات طبقاتی بیرون خواهد آمد و با آن آبدیده و سنجیده خواهد شد. آن کمونیستی که امروزه ضرورت ایجاد چنین حزبی را درک می کند همان است که ضرورت مبارزات سراسری کارگری را نیز می فهمد. آن اعتماد رفیقانه ای که ما را در راه ساختن حزب انقلابی یاری خواهد کرد نخست در مبارزه مشترک برای ایفای وظایف عملی ما شکل خواهد گرفت. اما این ارتباط تنگاتنگ خود بخود و خودکار نیست و باید آگاهانه و با برنامه پیش رود. بنابراین ما کمونیست ها باید در کنار فعالیت های بالا اقدامات مشخصی در راه ایجاد مقدمات سازمان یابی حزب نوینی را آغاز کنیم که قدم اول آن همانا روشن کردن وظایف ما در قبال جنبش کارگری است. اما حزب انقلابی بدون برنامه و اصول مشخص نیز شکل نخواهد گرفت. باید برای تدوین آن به بحث های مقدماتی لازم دامن زد. نقش امپریالیسم و سرمایه داری جهانی در ایران و منطقه، وضعیت سرمایه داری ایران و چشم انداز سیاسی رژیم پس از توافقات هسته ای و صف بندی طبقاتی موجود در ایران و استراتژی انقلابی سه نقطه شروع کلیدی برای آغاز این مباحثات است. هر چند محتوی و نتایج این مباحثات علنی خواهند بود و هر چند بحث علنی همه گرایش های موجود در رابطه با مفهوم حزب انقلابی و مشخصه های آن نه تنها ضروری ندارد که باید از آن استقبال کرد و در آن در گیر شد، اما شکل اجرای عملی و پیش برد سازمانی مقدمات حزب انقلابی نمی تواند نتیجه خودکار محافل و تجمعات غیر پیگیر تلقی شود. باید به تدریج گروهی از افراد مشخص که خود همدیگر را در این فراشد ها یافته اند برای هماهنگ کردن، جهت دادن و عمق بخشیدن به فعالیت های مقدماتی فراهم شود که با نقشه و توافق این امر را به پیش ببرند.

جمعی از فعالین کمونیست

مهر ۱۳۹۶